

## فرهنگ و توسعه مشارکت های مردمی

### پریسا فیضندیان

اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان

#### چکیده

اولین چیزی که به ذهن خطور می کند، این است که توسعه ی بدون مشارکت چندان معنای پر باری ندارد، از آنجا که امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می آورند، پس در ابعاد چهارگانه ی توسعه-ی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باید مشارکت مردم همراه و همگام با روند توسعه باشد. از بعد جامعه شناختی، مشارکت به معنی تعلق فرد در گروه و سهمی که در آن دارد؛ تلقی می گردد و همچنین به معنی شرکت فعالانه در گروه در جهت به ثمر رسانیدن یک فعالیت اجتماعی است. آلن بیرو می گوید: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین دلیل از دیدگاه جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد.» (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۵۷). از منظر نظام مندی و کارکردی، مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادینه کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می انجامد.» (مردوخی، ۱۳۷۳: ۱۷۱) پیتر اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می پردازد که عبارتند از: مشارکت مردمی به عنوان سهم داشتن در جامعه، سازماندهی و توانمندسازی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۶۹) سالماعمر در تعریف مشارکت بر تأثیر نظام ارزشی جامعه در تعیین هدف تأکید می کند و می گوید: «فرآیند مشارکت، مداخله و کنترل مردم، بیشتر به تعیین آنچه از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می دهد منجر خواهد شد. در این صورت تصمیم های مربوط به اینکه چه چیزی یک زندگی بهتر را می سازد پیش از آنکه با آنچه مردم، مقدس و مهم می شمارند منافات داشته باشد، نظام ارزشی آنان را منعکس می کند.» همچنین مشارکت را می توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت آوری دانست که برای تمشیت امور جامعه ضروری است (شادی طلب و کمالی، ۱۳۸۱: ۲۷)

واژگان کلیدی: مشارکت، مشارکت مردمی، فعالیت اجتماعی، جامعه شناسی، مسئولیت آوری

## مقدمه

با عنایت به اهمیت مباحث مربوط به حقوق زن و توجه خاص فقه امامیه و حقوق ایران به حفظ نظام خانواده بر آن شدیم که با استعانت از خداوند متعال، مسأله حقوق زوجه شخص غایب را مورد بررسی قرار داده و ضمن توسعه فقه امامیه در زمینه احوال فرهنگ همراه با مشارکت در یک جامعه محلی یعنی فرایند کارگیری توانمندیهای فردی یا گروهی ذینفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی. در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مشترک اهمیت دارند. آنچه در یک فرایند مشارکت موفق مهم است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از تواناییها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آنهاست. وهمینطور توسعه فرهنگی به دنبال این است که با توجه به فرآیند مدرنیته و مدرنیزاسیون، با یک رویکرد درونی و بومی و بهره‌مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه، به شناخت عمیق باورها و ارزش‌های ملی و محلی فرهنگ جامعه‌ی خود بپردازد و با توجه به اهمیت به نگرش‌های ملی و محلی، از خلاقیت‌های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره‌برد و به اشاعه و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که نشأت گرفته از ارزش‌های بومی و ملی است بپردازد تا بتواند فرهنگ خود را جهانی نماید (شربتیان، ۱۳۸۵).

## بیان مسئله:

### ضرورت‌های انجام تحقیق:

پیشرفتهای مشارکتی در ایران و جهان و همچنین حمایت‌های مالی و فکری به سازمان‌ها و موسسات آموزش محور ما را بر آن داشت تا تحقیقاتی در خصوص فرهنگ و چگونگی مشارکت مردمی و موانع آن انجام دهیم.

### بیان اهداف تحقیق:

- شناخت تاریخچه مشارکتهای مردمی
- آشنایی با تعاریف و مفاهیم مشارکت
- شناسایی موانع و چگونگی مقابله با آنها
- گونه شناسی مشارکتهای مردمی
- شناسایی پیش نیازهای مشارکتهای مردمی

### اهداف تحقیق:

آگاهی از میزان فرهنگ و توسعه مشارکت خانواده‌های کارکنان محترم آموزش و پرورش، شناخت میزان توسعه مشارکت افراد؛ شناخت رابطه بین فرهنگ و مشارکت‌های مردمی

### فرضیه:

بین میزان فرهنگ و مشارکت‌های مردمی رابطه معناداری وجود دارد.

### پیشینه تحقیق:

یکی از مبانی اساسی علوم رفتاری با رشته انسان‌شناسی آغاز می‌شود و یکی از رشته‌های فرعی انسان‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی است که با مطالعه رفتار مشارکتی افراد ارتباط نزدیک دارد. انسان‌شناسی فرهنگی با رفتار مکتسبه انسانها که از فرهنگ آنها تأثیر می‌گیرد و نیز با فرهنگ متأثر از این رفتار سر و کار دارد. درواقع بدون فهم عمیق ارزشهای فرهنگی جامعه نمی‌توان توسعه‌ای برای مشارکت‌های مردمی را به درستی فهمید. (عطافر، ۱۳۷۵، ۵)

نقشی که فرهنگ در رفتار انسان ایفا می‌کند، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در علوم رفتاری وجود دارد. هرچند تاکنون به‌طور کامل مورد ارزیابی قرار نگرفته است. فرهنگ آنچه را که انسان یاد می‌گیرد و نیز نحوه رفتار او را تعیین می‌کند سبب بوجود آمدن توسعه رفتار مشارکتی در بین افراد و همین‌طور سبب گسترش آن می‌گردد (عطا، ۱۳۷۵، ۵). در مورد اینکه فرهنگ مشارکتی چگونه به وجود می‌آید، باید گفت که فرهنگ پدیده‌ای است که با توجه به خواسته‌های طبیعی و نیروهای اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. جغرافیای منطقه، تاریخ و رویدادهای قوم، زبان و ادبیات رایج در میان مردم، دین و مذهب، اقتصاد و شیوه معیشت مردم در پیدایش فرهنگ اثر گذاشته و در ترکیبی سازگار با یکدیگر، مجموعه‌ای از ارزشها و باورهای چیره را پدید می‌آورند که بر رفتار انسانی و مشارکتی تأثیر می‌گذارد و ارتباط و توسعه روابط مشارکتی میان مردم را آسان می‌سازد (میرسپاسی و معتمدگرچی، ۱۳۷۶).

### مبانی نظری

#### تعریف فرهنگ

فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی. فرهنگ همواره نرم‌افزار است و تمدن شامل آن و سخت‌افزار است. به عبارت ساده‌تر فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. فرهنگ از آن مردم است. ادوارد تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، مشارکت‌ها و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. هر منطقه از هر کشوری می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر مناطق آن کشور داشته باشد. فرهنگ به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ در حالی که ژنتیک به وسیله وراثت منتقل می‌شود. مثلاً گفتگو به زبان فارسی یک راهکار است بر رفع نیاز رو در رو سخن گفتن و زبان چینی راهکاری دیگر برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز است. فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه و دین است. فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است. فرهنگ در برگیرنده این موارد است:

- سازگاری کلی با نیازهای غریزی و فطری و مشارکتی یا محیط جغرافیایی پیرامون؛
- سازمان مشترکی که برای فرونشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی که از محیط پیرامون برخاسته‌اند، پیدا شده است.
- مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها.

مطالعات سنتی روانشناسی، روی پدیده‌های فردی یا درون روانی محیط، متمرکز است و رفتار را در زمینه رابطه بین افراد یا حالات درونی فرد، تحلیل می‌کند. در مواردی، چون مطالعه ادراک که محیط کالبدی، در نظر گرفته می‌شود؛ بیشتر، مقیاس ملکولی (مثل طول موج نور) و مقیاس ریز رفتار انسان (مثل عکس العمل پوست در مقابل برق) مورد نظر است. در مواردی که مطالعات روانشناختی، از این الگوها، رهایی یافته و به مقیاس کلی تر محیط (مثل روانشناسی گشتالت) پرداخته‌اند؛ با تمام نکات مثبت و منفی، مورد استفاده طراحان قرار گرفته‌اند. در جامعه شناسی، به محیط کالبدی، به عنوان محیطی برای فرایندهای گروهی، توجه کمی شده است. مکتب شیکاگو، در اکولوژی انسانی، مدعی است که ماهیت کالبدی، اهمیت زیادی برای جامعه شناسان این مکتب، داشته است. بررسی دقیق تر، نشان می‌دهد که این ادعا «در هاله‌ای از ابهام رها شده» و در واقعیت، جایگاهی در برنامه پژوهشی مکتب شیکاگو نداشته است. هنگامی که مردم شناس، روانشناس یا جامعه شناسی، راجع به آینده، اظهارنظری ارزشی کند؛ در واقع، بجای رفتارشناس، به برنامه ریز، تبدیل می‌شود. هر عملی که معمار، طراح منظر یا طراح شهری انجام می‌دهد؛ انتخاب آینده‌ای بجای آینده دیگر است.

## فرهنگ چگونه آغاز شد؟

این پرسش کشمکش‌های بسیاری برانگیخته و پاسخ‌های گوناگونی به آن داده شده است. با پیگیری صبورانه عامل‌های اصلی تشکیل دهنده هر فرهنگ اگر بتوان آنها را یافت پدایش فرهنگ‌ها را بررسی می‌کنیم. هرگاه به توصیف فرهنگی می‌پردازیم، خوب است خواننده به (۱) محیط جغرافیایی آن فرهنگ، (۲) بنیاد اقتصادی، (۳) ساخت اجتماعی و سیاسی مردمی که پدیدآور آن فرهنگ بوده‌اند، و (۴) پاره‌ای از سهم‌های مهمی که آن فرهنگ در تمدن داشته است توجه کنند. فهمیدن همه این‌ها کار ساده‌ای نیست، اما شناختی که درباره این گونه مناسبت‌های پیچیده فراچنگ آید به کوشش آن می‌آورد. هنگام بررسی فرهنگ باید به دو نکته توجه داشت: نخست پهنه فرهنگی است و دیگری قدرت فرهنگ‌هاست. هر سیستم فرهنگی در یک زیستگاه طبیعی رشد می‌کند. از این رو بی‌تردید محیط بر فرهنگ تأثیر خواهد گذاشت. چنین تأثیرگذاری‌ای را پهنه فرهنگی می‌نامند. از سویی دیگر ما دو نوع فرهنگ داریم؛ یکی فرهنگ قدرتمند است که پایه‌های استواری دارد و در نتیجه باقی می‌ماند و دیگری فرهنگی است که سست و ناتوان است و از بین می‌رود. در این میان، آن فرهنگی می‌تواند باقی بماند که نیرومند باشد. دلیل نابودی برخی فرهنگ‌ها را باید در توجیه‌نشدن عقلانی و کاربردی آن فرهنگ‌ها دانست؛ اما مسئله این‌جاست که فرهنگ‌هایی نیز وجود دارند که با آن‌که توجیه کاربردی دارند، اما در حال از بین رفتن‌اند؛ چون ریشه‌های آن‌ها بیرون کشیده نشده و نیرومندی آن بروز نیافته است. از سویی دیگر اگر محتوای فرهنگ‌ها سنگین و بدل به قوانینی دست و پاگیر شود، آن‌گاه خطر از بین رفتن آن افزایش می‌یابد.

(مؤلفه‌های هفت‌گانه فرهنگ)



تمامی فرهنگ‌ها، با حرکتی کند و تدریجی، تغییر می‌کنند. روانشناسی اجتماعی، تغییرات در فرهنگ و مشارکت‌های افراد را با توجه به رفتارهای جمعی و ویژگی‌های شخصی افراد جامعه، به انگیزه‌ها و عواملی چند، نسبت می‌دهد که به برخی از آنها، اشاره می‌شود

- نوجویی و نوآوری
- مشارکت اجتماعی
- طرد انتخابی
- تلفیق و انطباق

### مشارکت

مشارکت عبارت است از ایجاد نوعی همبستگی، تعلق و تلاش جمعی میان افراد جامعه به منظور نیل به نظام عادلانه اجتماعی، مشارکت در ابعاد فرهنگی و اجتماعی تعاریف گوناگونی دارد که برای نمونه به مواردی اشاره می گردد.

- مشارکت ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی است .
- مشارکت یعنی درگیر شدن ذهنی و عاطفی فرد در گروهی که او را برمی انگیزاند تا برای دستیابی به مقصود گروه و پذیرش مسئولیت حرکت کند .
- مقصود مشارکت به معنی دست در دست هم گذاشتن برای انجام کاری است .
- مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد برای دستیابی به اهداف گروهی و همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند . بر اساس این تعریف درگیر شدن یاری دادن و مسئولیت پذیری سه ویژگی مهم مشارکت می باشد .

بنیادی ترین اندیشه زیر ساخت توسعه مشارکت های مردمی پذیرش اصل برابری مردمان است . مردمان هر گاه در پیوند با یکدیگر از اهمیت و ارزش برابر برخوردار شوند آنگاه مشارکت میان آنان می تواند به "برخاستن و خیز برداشتن یاری دهد" و سود بهره مندیهای بسیار برای همه فراهم آورد . از دیدگاه مشارکتی همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است ؛ احساس مسئولیت می نمایند و حق دارند در مورد آنها فکر کنند و اندیشه خود را آزادانه بیان نمایند . در بنگاههای اقتصادی مشارکت به مفهوم کوشش دسته جمعی و همکاری تمام افراد (مدیران ؛ کارکنان و مشتریان ) برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک است . در مدیریت مشارکتی فاصله بین کارکنان و مدیران کاهش می یابد؛ آنها در تصمیم گیری ها و روند برنامه ریزی دخالت داده می شوند و به همان نسبت از فواید و دستاوردهای ناشی از مشارکت برخوردار خواهند بود . تعاریف و برداشتهای متعددی از مفهوم مشارکت مطرح شده است که در همه آنها اصول و مبانی مشترکی یافت می شود . برخی از جنبه های مشترک و بنیادین که بر آنها تأکید شده است عبارتند از :

- برابری مردمان و برخورداری از حقوق شهروندی
- توزیع قدرت در بین مردم و سهمیم کردن آنان در اختیارات و تصمیم گیریها
- اجازه دادن به مردم برای نظارت بر اموری که بر سرنوشت آنان تاثیر دارد
- ایجاد فرصتهای برابر برای پیشرفت همه مردم به خصوص توسعه مشارکتی در بین گروه های پایین جامعه

مفاهیم مرتبط با نهاد مشارکتی

ماهیت نهاد مشارکتی:

نهاد از نظر ماهیت شکلی از رفتارهای جمعی استقرار یافته در جامعه است. از سوی دیگر رفتار اجتماعی دارای سه بعد نگرش و باورها، دانش و آگاهیها و مهارت و کنشهای جمعی است.

### ساختار نهادهای مشارکتی:

شامل تجمع یا راهپیمایی، هیئت، شورا، جمعیت یا انجمن، مجلس، دولت، تشکل، فراندوم، شرکت و جهاد بوده است. بر اساس این دسته بندی، دولت نیز در صورتی که متکی بر عرف بوده قادر به احقاق حقوق مردم در زمینه ایجاد امنیت باشد، یک ساختار مشارکتی تلقی شده است.

### سازماندهی نهادهای مشارکتی:

سازماندهی نهادهای مشارکتی در قالب رفتارهای جمعی شامل گردهمایی، قبول مسئولیت متقابل، تعریف اهداف مشترک، اجتماع یا جمع گرایی، هماهنگ سازی، عرف، ائتلاف، اعتمادسازی، شراکت و بالاخره بسیج معین می شود. سطوح بالاتر از سازماندهی در بر گیرنده سطوح پایین تر آن نیز می باشد.

### فرآیندهای تصمیم گیری نهادهای مشارکتی:

فرآیندهای تصمیم گیری به معنای مجموعه ای از کنشهای فردی و جمعی برای قبول برتری یا رجحان برخی گزینه ها بر دیگر گزینه ها، منطبق بر معیارهای مشترک است. فرآیند تصمیم گیری اغلب در جهت حل مشکلات یا انتخاب بهترین راه حل ها برای رفع آنهاست.

### سطوح دستیابی به حقوق انسانی:

تمامی نهادهای مشارکتی منجر به تحقق و دستیابی آحاد مردم به برخی از حقوق انسانی می شوند. این حقوق شامل آزادی انتخاب، رفاه و آسایش، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به آن، حق شهروندی و تابعیت، عدالت اجتماعی، امنیت و تامین اجتماعی، قبول تفاوت ها و تضادهای اجتماعی، پاسخگویی قدرت به مردم، آزادسازی منابع به نفع مردم و داشتن یک ایدئولوژی و باور فردی میباشند.

### پیامدها و دستاوردهای نهاد مشارکتی:

این آثار و پیامدها شامل: برابری و تساوی حقوق، دستگیری و کمک، همبستگی ملی، مشروعیت و مقبولیت نهادی، برنامه ریزی، نظارت و آینده نگری، حاکمیت، رفع آسیب ها و مشکلات فردی و اجتماعی، روشنگری، رشد و پیشرفت، ابتکار و سازندگی بوده اند. کمیسیون اقتصادی آمرکای لاتین مشارکت را شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می شود در توسعه ملی نقش دارد، تعریف می کند محمدعلی طوسی از قول کیت دیویس می نویسد: « مشارکت عبارتست از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گوناگون، به گونه ای که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. » (طوسی، ۱۳۷۲) در این تعریف سه نکته نهفته است.

- مشارکت فقط به پوشش بدنی محدود نمی شود، بلکه شامل درگیری ذهنی و عاطفی است.
- مشارکت، مردم را به یاری دادن دیگران بر می انگیزد.
- مشارکت، مردم را برمی انگیزد تا مسئولیت بپذیرند.

یکی از کامل ترین تعاریف مشارکت توسط آبهوف و کوهن (۱۹۷۶) بیان شده است اهمیت این تعریف بگونه ای است که از آن به عنوان یک تعریف استاندارد نام می برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می کنند. آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخلت مردم در فرآیند تصمیم گیری تاکید دارند و معتقدند « مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم

منافع حاصل از یک پروژه «، از دیدگاه واژه شناسی، مفهوم مشارکت با تعاون، همیاری و دیگریاری متفاوت است. هر چند که در بعضی از متون این کلمات را به صورت معادل بکار می برند.

## توسعه مشارکتی

### معنی مفاهیم توسعه و مشارکت

توسعه از مقوله مفاهیمی است که به تعاریف اسمی یا مصداقی نیاز دارند. در این نوع اصطلاحات، بنیان تعریف مبتنی بر معرفه ها یا مشخصه هایی است که به مفهوم و عناصر متشکله آن نسبت داده می شود. بر این اساس برای تعریف توسعه باید دید که این اصطلاح به چه معرفه ها و مشخصه هایی دلالت می کند و طبیعی است که این معرفه ها و مشخصه ها بر حسب اینکه از چه منظر، مثلاً اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به توسعه نگریسته شود متفاوت خواهند بود. در سطح عمومی و مشترک اغلب مشخصه هایی که ذیل مفهوم توسعه می توان برشمرد با آنچه ذیل سه مفهوم پیشرفت، تکامل و نوسازی بحث شده، کم و بیش یکسان است. هر چهار واژه ی یاد شده که دو تای آن یعنی پیشرفت و تکامل قدیمی تر و دو تای دیگر یعنی توسعه و نوسازی جدیدترند، فرایندی را توصیف می کنند که برگذار از مراحل فرودین به مراحل فرازین دلالت دارد. (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۸).

مفهوم توسعه در علوم انسانی و اجتماعی و سیاستگذاری در معانی متعددی به کار برده شده است. از یک طرف توسعه معادل با رشد، تکامل و تغییر قرار داده شده است. از طرف دیگر، توسعه به معنای فرآیند، داشته ی انسانی، رشد اقتصادی، بسیج سیاسی، امری مطلوب و ارزشی به کار برده شده است. زیرا تنها جامعه شناسان در این زمینه به بحث نپرداخته اند بلکه در همه ی زمینه های علمی (اعم از علوم تجربی، ریاضی، انسانی، اجتماعی و هنر) سؤال توسعه یافتگی مطرح بوده است (ارمکی، ۱۳۸۶: ۲). در نهایت همه ی تعاریفی که از جانب نظریه پردازان توسعه از واژه ی توسعه ارائه شده است، در این امر متفق القولند که توسعه به معنای بهبود، رفاه و کیفیت زندگی جامعه ی بشری است. معنای لغوی مشارکت سهیم شدن در چیزی و یا انجام کاری می باشد، واضح و روشن است که عمده ترین دلیل عدم مشارکت، همواره با نهادینه نشدن مشارکت در سیاست و حکومت آمیخته است، حاکمان در رشد و یا عقب نشینی فرآیند مشارکت در طول تاریخ تأثیر بسزایی داشته اند و از سوی دیگر مردم آن جوامع نیز با دلایل مورد نظرشان هر نوع مشارکت و فعالیتی را با هر نام و نشانی بیشتر جنبه ی سیاسی آن را در نظر گرفته اند و ابعاد مهم دیگر آن را مانند بعد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تا حد زیادی به حاشیه رانده و یا آنها را کم رنگ جلوه می دهند.

اما اهمیت مشارکت در سرنوشت جوامع و زندگی بشر به حدی است که تقریباً زندگی انسان ها بدون آن ممکن نیست، تا جایی که در ادیان الهی همواره بر آن تأکید شده است. بسیاری از فلاسفه قدیم نیز از اهمیت مشارکت آگاهی داشته اند، از جمله افلاطون منشأ مشارکت ها را دفع هر نوع تعلقها و مالکیت و رسیدن به هدفهای مشترک در جامعه ای مبتنی بر حکومت اندیشه گران و یا فیلسوفان می داند، اسپینوزا معتقد است که هرگاه انسان، انسان دیگری را در حین انجام کاری یا ابراز عاطفه ای مشاهده کند بی اختیار خواهان تقلید از آن کار یا ابراز آن عاطفه می شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). مشارکت فرآیند درگیر شدن کلیه گروه های مردم در همه مراحل و ابعاد توسعه و در این بحبویه ظهور تواناییها، قابلیتها و در نتیجه رشد تعالی مادی و معنوی آنهاست. فلسفه مشارکتی مبتنی بر شأن و منزلت انسان و کرامت آن است، مشارکت در امور آموزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم را با امکانات و مخصوصاً با محدودیت های موجود در نظام پیرامون آنها آشنا می-سازد و مردم در طی مشارکت فرا می گیرند که نه به صورت افرادی مجزا، بلکه در گروه-های اجتماعی با هدف مشترک فعالیت می کنند (اسماعیل زاده، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

### انواع مشارکت از دید نظریه پردازان توسعه

امروزه صاحب نظران توسعه از وجود سه نوع مشارکت در جوامع بحث میکنند:

الف) **مشارکت تحمیل شده**: نوعی مشارکت است که از طریق برگزیدگان یا نخبگان، دیگران را به مشارکت می کشانند. در این مشارکت گاهی از تکنیک های روانی - اجتماعی یا مکانیسمهای فرهنگی استفاده می شود، هدف مشارکت لزوما نیازهای واقعی و انتظارات مشارکت کنندگان نیست، این نمونه در کشورهای کلنی (coloni) دیده می شود.

ب- **مشارکت ابزاری**: در این نوع مشارکت و یا از دیدگاه طرف داران این نوع مشارکت، انسانها وسیله هستند و غالباً ترجیح داده می شود که مردم همه بر اساس یک الگو رفتار کنند و مشابه هم باشند. در این نوع مشارکت هم می توان از همبستگی های فرهنگی و اجتماعی استفاده نمود.

ج- **مشارکت توسعه ای**: این نوع مشارکت فرآیندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چند بعدی و چند فرهنگی. به عبارتی دیگر مشارکت توسعه ای می خواهد که همگان در همه ی مراحل توسعه درگیر شوند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). مشارکتی که مد نظر است همین مشارکت توسعه ای است چرا که تمامی سطوح جامعه، نیازهای آن و ابعاد زندگی فرد و گروه را در بر می گیرد. مشارکت در آن از پایین به بالاست نه از بالا به پایین و به صورت درونی است نه بیرونی، همین مشارکت است که بسترهای لازم را برای رسیدن به مفهوم توسعه مشارکتی و همچنین جامعه فراهم می کند، لذا جهت رسیدن به چنین توسعه ای باید اندیشه دموکراتیک را در جامعه نهادینه کرد و این کار تنها از طریق ایجاد نهادهای مدنی و غیر دولتی، تقویت حوزه ی عمومی، شکل گیری اصناف و دیگر تشکلهای گروهی در جامعه امکان پذیر است.

#### توسعه فرهنگی:

مفهوم توسعه فرهنگی توسط یونسکو در دهه ۱۹۶۰ میلادی در جهان رواج یافت. این سازمان طی جلسات گوناگونی، شرایط توسعه موزون و آگاهانه را به صورت برنامه ریزی آموزشی، سیاست فرهنگی و سیاست اطلاعاتی در دستور کار خود قرار داد. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ توسط این سازمان به عنوان دهه توسعه فرهنگی نامیده شد. سازمان جهانی یونسکو همچنین، توسعه فرهنگی را چنین تعریف نموده است: توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزشهای فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. تعبیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما می توان تعریف «ژرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسانها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.» در مجموع با توجه به تعبیری که ذکر شد، توسعه فرهنگی را می توان فرآیند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسانها خواهد شد.

توسعه و توسعه فرهنگی دو مفهوم بسیار مهم می باشند که در برنامه ریزی های ملی در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه ای برخوردار شده اند. مفهوم توسعه یافتگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای احاد جامعه که شاخص های رشد فرهنگی محقق شود. توسعه فرهنگی یعنی ارتقا و اعتلای زندگی در جامعه و دستیابی به ارزش های متعالی فرهنگ. توسعه فرهنگی به عنوان یک فرایند همیشگی است و همواره در طول زمان جوامع دستخوش توسعه آن بوده اند و نمی توان جامعه ای را یافت که از این موضوع فارغ باشد.



برخی از مهمترین مواقع فرهنگ و توسعه مشارکتی:



### چارچوب نظری تحقیق

با توجه به اهمیت توسعه فرهنگی و توسعه مشارکت در بین افراد و توسعه آن، این نظریه به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شد. روابط بین فرهنگ و توسعه مشارکتی در قالب مدل زیر ترسیم شده است.



با توجه به مدل ارائه شده، میزان توسعه فرهنگی و توسعه مشارکتی، با هم رابطه دارند. به عبارتی فرهنگ بر مشارکت و توسعه مشارکتی محور تاثیرگذار است.

### روش شناسی پژوهش:

روش این تحقیق، در بخش بررسی سواد رسانه ای پیمایشی و تکنیک بررسی، پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش حاضر خانواده های فرهنگیان (آموزش و پرورش) شهر زنجان می باشند. روش نمونه گیری در این تحقیق، احتمالی و از نوع نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است. همچنین، رویه جمع آوری اطلاعات مطالعه کتابخانه ای و اسنادی و توزیع پرسشنامه است. سطح تجزیه و تحلیل خرد می باشد و تجزیه و تحلیل داده ها شامل دو بخش توصیفی و استنباطی است.

با توجه به آمار خانواده های محترم فرهنگیان شهر و مقدور نبودن انتخاب و پرسش از همه، نمونه متناسب به شکل تصادفی ساده، با اقدامی تصادفی به تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. نمونه معرف کل جامعه است (نسبت جنسیت نیز رعایت شده است) برای به دست آوردن حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

تجزیه و تحلیل :

یافته های پژوهش

جدول شماره ۱ ویژگی های جمعیت شناختی

درصد (۴۰۰=تعداد کل)		تعداد	ویژگی های جمعیت شناختی	
٪ ۶۵		۲۶۰	خانم	جنس
٪ ۳۵		۱۴۰	آقا	
متوسط	سطح فرهنگ و تقاضای مشارکتی بین خانواده ها	۱۹۷,۳۱ از ۳۶۰		میانگین فرهنگ و تقاضای مشارکتی بین خانواده ها
متوسط	سطح تفکر توانایی تفکر فرهنگی و مشارکتی بین خانواده ها	۴۸,۷۵ از ۹۰		میانگین توانایی تفکر فرهنگی و مشارکتی بین خانواده ها

همچنین با توجه به یافته های آماری، ۹۶٪ از خانواده ها، به مشارکت و توسعه مشارکتی آشنایی دارند اما فرهنگ و مشارکت پذیری آن ها متفاوت است.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی، میزان تفکر انتقادی

درصد	فراوانی	میزان تفکر
۱/۸	۷	هیچ / اصلا
۳۱/۳	۱۲۵	خیلی کم
۴۴/۳	۱۷۷	تا حدودی
۱۴/۸	۵۹	خیلی زیاد
۴/۰	۱۶	همیشه
۹۶/۰	۳۸۴	کل
۴/۰	۱۶	عدم اهمیت فرهنگی و مشارکتی
۱۰۰/۰	۴۰۰	کل

از مجموع ۳۸۴ خانوار بیشترین درصد، ۴۶/۱ (نفر ۱۷۷) تا حدودی (به طور متوسط)، منتقدانه می اندیشند و کمترین درصد ۱/۸ درصد (۷ نفر)، هیچ وقت (اصلا)، نسبت به آنچه که را می بینند یا می خوانند منتقدانه نمی اندیشند. در مجموع ۱۸/۸ درصد از جوانان بیش از حد متوسط به منتقدانه اندیشیدن اهمیت میدهند.

جدول شماره ۳ محاسبه ضریب همبستگی تفکر انتقادی با سواد رسانه ای

میزان تفکر انتقادی به موضوع	میزان همبستگی
۰/۷۳۶	فرهنگ و توسعه مشارکتی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig. (2-tailed)

باتوجه به نتایج آزمون آماری ارائه شده درجدول، درسطح معناداری محاسبه شده ۰/۰۰۰ با یک درصد خطا ۹۹ درصد اطمینان بین میزان توسعه فرهنگی با تفکرانتقادی درباره توسعه مشارکتی ومحتوای آنها رابطه معنادار وجود دارد. میزان شدت این همبستگی برحسب ضریب اسپیرمن محاسبه شده برابر با ۰/۷۳۶ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی و مثبت بین این دو است.

### بحث و نتیجه گیری

مباحث مطرح شده در این مقاله، بازگوی این است که نباید نسبت به مشارکت بی اهمیت بود، بلکه باید آن را جدی گرفت. شهروندان جامعه ی ما باید در پی مشارکت هر چه بیشتر در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خواهان استفاده از فرصت های بیشتر در نظام ملی کشور باشند. جامعه ی ما در طول چندین دهه ی اخیر حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته، حوادث جنگ، ناامنی سیاسی، رویارویی نظامی و غیره. بت های فکری بیکن، بازگوی این می باشد که امر انتخابات در جامعه ی ما در طول چندین دهه ی اخیر بر اساس پیش داوری برخی گروهها و افراد، به ویژه بت های طایفه، بازار و نمایش صورت گرفته، بدون پالایش ذهن خود از این بت ها، پاسخ مشارکت مردم را از قبل پیش بینی نموده و در بیشتر اوقات هم نظریاتشان نتیجهی معکوس داده است.

روشنگری مورد نظر کانت در فضای عمومی جامعه و انتخابات باعث می شود که مردم از قیومیت گروهها و افراد فرصت طلب نجات یابند و خود قیم خود باشند تا فرد مورد نظر و ایده آل خود را بر اساس ایده ها و افکار خود انتخاب نمایند. نتایج تجربه ی چند دهه ی اخیر جامعه ی ما هم در رابطه با عدم مشارکت برخی گروه ها و افراد در امور مهم و مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی بسیاری از مشکلات روزمره که فضایی رمانتیک و آرمان گرا بر آن حاکم بوده تنها بازگوی غفلت جامعه نسبت به امر مشارکت، عزلت و خانه نشینی، اتوپیایی فکر کردن، دور شدن از واقعیات موجود، کناره گیری از جامعه و مشکلات آن، در لاک خود فرو رفتن بوده است.

در حالیکه مشارکت پدیده ای تصور ناپذیر و یا بیگانه با تاریخ و فرهنگ ما نیست، چه در ادیان ایرانیان، چه در آداب و رسوم ایرانی و چه در تاریخ معاصر، ایرانیان نشان داده اند که در شرایط و زمینه های مناسب به یک دیگر اعتماد، به خود و دیگران امید دارند و به این منظور فعالانه حاضر به مشارکت در امور جامعه اند. این امر در دوره ی مشروطه، ملی شدن نفت و در طول انقلاب سال ۱۳۵۷ مشاهده شد(میر سیاسی، ۱۳۸۸:۳۱).

### پیشنهادات :

- اهمیت بیشتر به رشد تفکر انتقادی؛ ارتقای امکانات در خصوص آموزش های فرهنگی و مشارکتی.
- توجه به توانمندی های سازمان های مردم نهاد ؛ تشکل های فرهنگی خانوادگی.
- ورود شهرداری ها، و سایر سازمان های مرتبط، برای ارتقای سطح توسعه فرهنگی و سطح مشارکتی.
- فعال نمودن انجمن های اولیا ومربیان در زمینه آگاهی بخشی فرهنگی و توسعه مشارکتی.
- پخش برنامه های آموزشی در شبکه های مختلف صداوسیما.

- تدوین و انتشار جزوات و کتاب های ویژه استفاده مناسب و نقادانه از فرهنگ و توسعه مشارکتی افراد در سطح عمومی ، مدارس و دانشگاه ها

#### منابع و مواخذ:

- ۱) ارمکی، تقی آزاد، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی توسعه، انتشارات علم، چاپ اول.
- ۲) زاهدی، محمد جواد، (۱۳۸۶)، توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، چاپ سوم.
- ۳) طوسی، محمدعلی. ۱۳۷۲، مشارکت. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۴) کاظمی، موسی. ۱۳۸۵ شناخت شناسی نهادهای مشارکتی حمایتی در ایران، انتشارات علم
- ۵) روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۵۴۲، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۰
- ۶) آژانس خبری تحلیلی زیریان <http://www.ziryan.ir>  
دانشنامه آزاد ویکی پدیا <https://fa.wikipedia.org>

## Culture and Development of Public Participation

**Parisa Feizmandian**

*Department of Training and Education, Zanjan*

### Abstract

The first thing that comes to mind is that the development without participation does not sense much. Today, the development scholars and experts consider participation as one of the most important pillars of development. For economic, cultural, social, and political development, therefore, people should involve in development process. From sociological point of view, the participation means a person's belonging to group, his/her share in that, and actively participating in group to conduct a social activity. Allan Biro states that: "Participation means getting a share in something, taking advantage of it, participating in a group, and therefore working with it. For this reason, the sociology distinguishes between participation as a state and participation as a practice and commitment" (Biro, 2001: 257). From systematic and functional viewpoint, the participation is considered as a "mechanism for survival, development, and excellence of social system. The lack of necessary structures for participation and its institutionalization may lead to extinction of social system and its political collapse" (Mardukhi, 1994: 171). Peter Oakley expresses three interpretations for participation: public participation as having a share in society, organization, and empowerment (Dehghan & Ghafari, 2005: 69). Salim Omar emphasizes on impact of value system of community on determination of its goal and states that "The process of participation, intervention, and control of people may lead to better life quality". The participation may also be considered as conscious, active, free, and responsible movement which is essential for fulfillment of community affairs (Shadi Talab & Kamali, 2002: 27).

**Keywords:** Participation, Public Participation, Social Activity, Sociology, Responsibility.